

جلوه‌های هنری تصاویر تشبیهی در خطبه‌های نهج‌البلاغه

مرتضی قائمی*

زهره طهماسبی**

چکیده

تابلوه‌های زیبای تشبیهی نهج‌البلاغه، از طرح‌های ابتکاری، رنگ‌آمیزی متنوع، وسعت و عمق بینش، مناظر پویا و پرتحرک، دقت و ظرافت، هماهنگی و تناسب شگفت‌آور، موسیقی سحرانگیز، وحدت و انسجام فوق‌العاده‌ای تشکیل شده که از خیالی قوی و عمیق و عاطفه‌ای جوشان و صادق و اندیشه‌ای غنی و خلاق سرچشمه گرفته است. از مهم‌ترین زوایای هنر امام(ع) در استفاده از تشبیه این است که ایشان مفاهیم مهم و اندرزهای انسانی را با استفاده از تشبیه در اختیار درک و فهم مخاطب قرار می‌دهد. قرآن کریم، اهل بیت، اسلام، دنیا و متعلقاتش، تقوا و طاعت الهی، موضوعاتی هستند که بیشترین تشبیهات را به خود اختصاص داده‌اند. هنر و ادبیات امام(ع) و از جمله تصاویر ادبی وی برای خود هنر و ادبیات نیست و همه وجود ایشان در خدمت انسان‌سازی، هدایت‌گری و ارشاد و نجات مردم است.

کلیدواژه‌ها: تصویر، تشبیه، نهج‌البلاغه، امام علی(ع).

مقدمه

نهج‌البلاغه همواره در طول تاریخ چشمگیر خود به‌عنوان یکی از غنی‌ترین و پرتأثیرترین مجموعه‌های روایی شیعه، در پیش‌روی خواصان معانی ژرف و ریشه‌دار و جویندگان گوهرهای یک هنر متعالی است و در زمره درخشان‌ترین میراث‌های ادبی جهان قرار می‌گیرد.

* استادیار گروه زبان‌و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان Morteza_ghaemi@yahoo.Com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

تاریخ دریافت: 89/9/10، تاریخ پذیرش: 89/10/24

خطبه‌های موجود در نهج‌البلاغه، بخش بسیار اندکی از هنرنمایی‌های حضرت امیر(ع) است که در این تألیف گران‌سنگ به‌دست ما رسیده است. خطبه‌های امام(ع)، نمونه‌اعلایی از خطبه‌های دینی است با همه‌شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که این نوع ادبی دارد، همچون درون‌مایه کلامی و اعتقادی بسیار قوی و تصویری از عاطفه رقیق، سیال و دارای یک شاکله کاملاً منطقی و نظام‌مند.

نهج‌البلاغه، آینه تمام‌نمای تصاویر سحرانگیز و مجموعه تابلوهای ترسیم‌شده از موضوعات مختلف و متنوع است که هر بیننده‌ای را مجذوب خود می‌کند و هر اندیشه‌ای را تغذیه می‌کند و از یک منبع و حیانی و عرفانی ناب سیراب می‌سازد. تابلوهای زیبای نهج‌البلاغه، از طرح‌های ابتکاری، رنگ‌آمیزی متنوع، وسعت و عمق بینش، مناظر پویا و پرتحرک، هماهنگی و تناسب شگفت‌آور، موسیقی سحرانگیز، وحدت و انسجام فوق‌العاده‌ای تشکیل شده است.

تصویر، پرکاربردترین اصطلاح نقد ادبی است که از دیرباز به اشکال و الفاظ مختلف در بلاغت اسلامی مطرح بوده و در دوره شکوفایی نقد جدید در ادبیات غرب محبوبیت بسیار یافته است. تصویرهای شعری و ادبی، تجربه‌های ادیب را صادقانه نشان می‌دهند. گاه تصویر در خدمت امری دیگر قرار دارد و گاه خود، پدیده‌ای مستقل است که ارزش آن در خود آن است. در کار هر هنرمند بزرگ و صاحب‌سبک، یک درون‌مایه مسلط وجود دارد که بر سراسر آثار او سایه می‌افکند و در لابه‌لای تصویرها، در فرم و ساختار و در مفهوم و مضمون آثارش حضور دارد. (فتوحی، 1385: 76، 58 و 37)

تصویر در حقیقت مجموعه امکانات بیان هنری است که در شکل‌گیری اثر ادبی مطرح است و زمینه اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی و رمزگونه‌های مختلف ارائه تصاویر ذهنی می‌سازد. (شفیعی کدکنی، 1372: 15)

از آنجاکه تشبیه پایه استعاره، اغراق و انواعی از اسنادهای مجازی را می‌سازد، بررسی تصاویر تشبیهی یک اثر فاخر ادبی می‌تواند از ژرفای هنر و مضمون آن پرده برگیرد؛ بنابراین، برای رسیدن به کنه این مضامین و معانی اصیل و عمیق در نهج‌البلاغه، کاویدن سبک و ساختار تصاویر و صور خیال آن امری ضروری می‌نماید.

همچنین از آنجا که نحوه تصویرپردازی یک ادیب، شاخصه و نمود مناسبی جهت سنجش میزان و کیفیت هنرنمایی ادبی او است و یکی از مواردی که ضعف یا قوت تصویرپردازی‌های یک اثر ادبی را به‌روشنی نمایان می‌کند، تشبیهات به‌کاررفته در آن است،

می‌توان با بررسی چگونگی تصویرپردازی امام(ع) در تشبیهات خطبه‌های نهج‌البلاغه، رایحه‌ای از این گلستان دلربا را دریافت و نَمی از دریای هنروری و مضمون‌پردازی صاحب این اثر بی‌مانند را چشید و به راز و رمز جذابیت، نفوذ و فراوانی تشبیهات خطبه‌های نهج‌البلاغه پی برد و به پویایی، حرکت و غنای محتوایی آن دست یافت.

در شروح گوناگون نهج‌البلاغه - مانند شرح علامه ابن‌میثم بحرانی و آثار دیگری چون الامام علی صوت‌العدالة الانسانية و روائع نهج‌البلاغه اثر جرج جرداق و بلاغت نهج‌البلاغه اثر محمد خاقانی - به‌طور پراکنده درباره فصاحت، بلاغت و تصویرپردازی هنری در نهج‌البلاغه بحث شده، منتها در این پژوهش کوشش شده است خصوصیات جزئی و قابل‌ارزیابی تصاویر تشبیهی در نهج‌البلاغه - که در آثار مذکور توجه کمتری به آن مبذول شده است - معرفی شود. منبع اصلی این پژوهش، خطبه‌های نهج‌البلاغه بوده که تشبیهات موجود در آنها بررسی و تحلیل شده است.

1. تصویرپردازی، تشبیه و عنصر خیال

هر چند که نمی‌توان ملاک‌های دقیقی برای ارزیابی زیبایی آثار ادبی و هنری ارائه داد، تصویرپردازی‌های یک ادیب و کمیت و کیفیت بهره‌گیری او از صنایع و فنون بلاغی، هنر ذاتی او را تا حد زیادی نشان می‌دهد و قابل‌ارزیابی و سنجش است. ادیب موفق کسی است که معانی و مفاهیم ارزشمند و تجارب مفید خویش را در قالبی زیبا از کلمات و جملات و تصاویر ادبی و هنری ارائه دهد.

بهره‌جستن از امکانات زبانی، نحوی، بلاغی و موسیقایی برای خلق یک منظره‌نو، با هدف زمینه‌سازی برای انتقال تجارب شعوری و مفاهیم متعالی صورت می‌گیرد که غالباً با استفاده از صنایع بیانی و بدیعی از قبیل تشبیه، کنایه، استعاره و مانند اینها طراحی و انجام می‌شود؛ گرچه گاهی عبارتی دلنشین اما خالی از انواع صنایع لفظی و معنوی می‌تواند تصویری جذاب تشکیل دهد؛ به این معنی که مفهوم تصویر از خیال، وسیع‌تر است و لزوماً بر انواع صور خیال تکیه ندارد. اصولاً غالب تصاویر ادبی با امکانات بیانی و موسیقایی خلق و ارائه می‌شود و شرط توفیق آنها همراهی فکری عمیق و واضح، عاطفه‌ای صادق و موسیقی منسجم و هماهنگی است تا بتوان تصاویری در قالب تابلوهای دقیق و دارای طرح و رنگ متناسب ایجاد کرد. (قائمی، 1388: 57)

مفهوم تصویر، پیوند مستحکمی با مفهوم خیال دارد. خیال در لغت به‌معنی سایه، مترسک،

رؤیا و صورتی که برای انسان در بیداری یا خواب شبیه‌سازی می‌شود و نیز تصویری که در آیینۀ افتاده، آمده است. (ابن‌منظور، 1412ق و فیروزآبادی، بی‌تا: ذیل ماده «خال»)

خیال در اثر ادبی به پردازش بیانی و مجازی تجربه‌های شعوری اطلاق می‌شود و به عبارتی خیال به‌عنوان سرچشمهٔ خلاقیت، آفرینش و اصالت هنری مطرح است؛ و خردباوران قرن هفدهم و هجدهم بر این نکته تأکید کرده‌اند که خیال به‌عنوان یکی از نیروهای ذهنی، تصویرها را در ذهن نقش می‌زند و آنها را با هم الفت می‌دهد. عالم خیال، عالمی نو و جدید است که برای مخاطب تکراری، یکنواخت و خسته‌کننده نیست و محدودیت زمان و مکان را از بین می‌برد.

در عالم مبتکرانه و جدیدی که امام(ع) می‌آفریند، تصاویر بدیعی ترسیم شده و صدها تصویر مشابه و متضاد برای مفاهیم دینی، اجتماعی، سیاسی و ... طراحی و ارائه شده است. اینها همه نتیجهٔ ترکیب موفق مفاهیم با عاطفه و خیال است که با خلق زیبایی، مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خیال وسیع و عمیق و متنوع درکنار عاطفهٔ صادق، دقیق، متناسب، با حرارت و قوی، به مفاهیم ارزشمند متعالی انسانی تجسم بخشیده و مخاطب را در تعامل با خدا، خویش، هستی و هموعان، بیش و نگرش سازنده و عمیق عطا کرده است. بنابراین، از مهم‌ترین عوامل و اسباب زیبایی و جذابیت تصویرهای نهج‌البلاغه، خیال قوی و عمیق و خلاقیت امام(ع) در خلق مناظر و تصاویر هنری جدید است.

ذکاوت و هوش خارق‌العاده و خیال غنی و سرشار در ادبیات امام(ع)، با عاطفهٔ سرشاری که آنها را پشتیبانی می‌کند، به هم می‌پیوندند. اینجا است که فکر، پویایی و حرکت می‌یابد و خونی داغ در رگ‌های آن جریان می‌گیرد که شعور و احساس شنونده را مخاطب قرار می‌دهد، همان مقدار که عقل را مخاطب خویش می‌سازد، چرا که این فکر از عقلی سرچشمه گرفته که عاطفه‌ای بسیار پرحرارت آن را همراهی می‌کند. (جرداق، 1409ق: ج 1/ 517)

خیال، عنصری از عناصر ادب و از عوامل برانگیزانندهٔ عاطفهٔ زیبایی و در ضمن از نتایج این عاطفه و مشتمل بر لذت ابتکار است، چراکه باعث تکمیل اندیشهٔ هنرمند و آفرینش فکر تازه‌الهام‌گرفته از آن می‌شود. (غرّیب، 1378: 49)

خیالی که در ادب به‌کار می‌رود، ارتباطی بسیار وسیع و نزدیک با عواطف بشری دارد. هرگاه عاطفهٔ قوی باشد، نیازمند خیالی قوی است که آن را همراهی و به آن کمک کند و در نتیجه، ضعف و قوت هر یک از آنها بر دیگری تأثیر می‌گذارد. (امین، 1928م: 62)

ادیب همواره می‌کوشد در خلق اثر ادبی هنرنمایی و در معانی تنوع ایجاد کند؛ اهدافی

چون عمق بخشی به مضامین، وسعت بخشیدن به نیروهای الهام بخش و رازآلود، توجه به شیوایی و وضوح موشکافانه، تلاش برای زیبایی و تأثیر هر چه بیشتر در جان انسان‌ها از راه تحریک عقل‌ها و احساسات آنان و پی‌ریزی حسی مشترک در میان افراد بشر.

این رنگارنگی و تصویرسازی در اسالیب بیان یک مطلب، همان است که به آن تصویر بیانی می‌گویند و از مهم‌ترین ارکان آن آوردن یک معنای واحد به طرق مختلف و در لباس‌های گوناگون است. (ابوحق، 1988م: 10 - 11)

تشبیه یعنی نشان‌دادن اشتراک چیزی با چیز دیگر در یک معنا یا قرارداد همانندی بین دو چیز یا بیش از آن که اشتراک آنها در یک صفت یا بیشتر از یک صفت مقصود است، مشروط به اینکه این همانندی به صورت استعاره تحقیقیه و استعاره بالکنایه و یا به شیوه تجرید نباشد. (تفتازانی، 1383ق: 188)

روشن ساختن زوایای کلام و نزدیک کردن مفهوم آن به ذهن مخاطب، از دیگر مزایای تشبیه است. بیان آنچه به خاطر می‌گذرد در قالب تشبیه، دامنه‌ای وسیع دارد و به گویندگان و نویسندگان امکان می‌دهد از این راه، معانی را در اعماق ذهن و احساس جای دهند و او را مسخر کلام خویش سازند. پس بلاغت تشبیه این است که دو چیز را در یک جا به یک معنی جمع می‌آورند.

تشبیه است که با آن، پنهان‌ترین و پیچیده‌ترین کلام به واضح‌ترین بیان تبدیل و دور نزدیک می‌شود. در کتاب *المثل السائر* نیز آمده است که تشبیه سه ویژگی مبالغه، تبیین و روشنگری، و ایجاز را در یک جا جمع می‌کند. (فاضلی، 1376: 149؛ ابن‌رشیق، 1416ق: 456/1؛ ابن‌اثیر، 1962م: 2/ 123)

همچنین تشبیه، غالباً نوعی استدلال منطقی و اثبات و تقریر کلام در ذهن مخاطب را در خود نهان دارد و وجود استدلال منطقی همراه با نوعی لطافت و ظرافت در انواع تشبیه به وضوح قابل ملاحظه است.

با تشبیه، عالمی جدید از خیال می‌توان خلق کرد که تکراری، مأنوس و شناخته‌شده نیست و لذا طراوت، زیبایی، لطافت و جذابیت دارد و توجه مخاطب را به خود معطوف می‌دارد و این، خصوصیت اصلی همه صور خیال است.

امام علی (ع) در جای‌جای خطبه‌های خویش، از تشبیهات دقیق، پویا، متناسب و زیبا استفاده کرده و با ذوق ادبی، نبوغ هنری و توان‌مندی منحصر به فردی که به او عطا شده، تابلوهای بی‌نظیری ترسیم کرده است که همه حواس مخاطب را درگیر می‌کند و چشم،

گوش، قلب و روح او مشحون از اعجاب و تحسین می‌شود و جذابیت تصاویر، شنونده را مدهوش می‌کند و زمینه انتقال پیام‌های انسانی - اسلامی را در حوزه‌های گوناگون فرهنگ، سیاست، زمامداری، امامت، اخلاق، زهد، دینداری، ... فراهم می‌آورد.

2. بررسی معناشناسی تشبیهات خطبه‌ها

اگر به‌عنوان اولین گام در جهت واکاوی تشبیهات خطبه‌های امام علی (ع)، گشت و گذاری در ساحت معنایی این فضای دل‌انگیز کنیم، در می‌یابیم که آفریننده ژرف‌اندیش این مضامین آسمانی آن‌چنان چیره‌دست است که هرگاه اراده می‌کند، مخاطب را می‌گریاند و هر وقت اراده می‌کند، خنده بر لب شنونده می‌نشانند، او را خوشحال می‌کند یا غمگین و عصبانی می‌کند، او را امیدوار می‌سازد یا از عواقب عملی نگران و مضطرب می‌کند؛ و این، همان مأموریت اصلی یک اثر هنری و ادبی ناب است که به‌زیبایی در خدمت انسانیت، دین و اخلاق قرار گرفته است. امیر بیان (ع) به هنگام طرح موضوع، آن را با دقت از زوایای مختلف تصویرپردازی می‌کند؛ خصوصاً در موضوعاتی که اهمیت بیشتری دارند. تصویرپردازی‌های مکرر جهت شناساندن دقیق موضوع و تثبیت پیام در فکر و ذهن شنونده، از خصوصیات ادبیات امام علی (ع) است. (قائمی، 1388: 63)

2.1. تنوع موضوعات و تنوع تشبیهات

یکی از مهم‌ترین زوایای هنر امام (ع) در استفاده از تشبیه این است که ایشان با نبوغ خاص خود، مباحث ذهنی، عقلی، کلامی، حکمت، اندرز، ... را که اموری انتزاعی و مجرد هستند و از محدوده محسوسات و ملموسات خارجند، با استفاده از تشبیه، لباس حسی می‌پوشاند و مفهوم مورد نظر را در دسترس حواس پنج‌گانه - به‌ویژه بینایی و شنوایی - قرار می‌دهد. از آنجا که هنر و ادبیات امام (ع) برای هنر و ادبیات نیست و تمامی وجود ایشان در خدمت انسان‌سازی، هدایتگری و ارشاد و نجات مردم است، به‌کارگیری تشبیه و سایر ابزارهای بیانی و صورخیال در همین راستا و به هدف روشنگری، اصلاح و انسان‌سازی انجام شده است. بنابراین، یکی از اساسی‌ترین وجوه اختلاف ادبیات امام (ع) با بسیاری از آثار ادبی دیگر در همین نکته نهفته است که امام (ع) در پی هنرنمایی و قدرت‌نمایی ادبی، برتری‌جویی و امثال اینها نبوده، بلکه برعکس، هنر امام (ع) ابزاری است که برای تقویت دیانت و نجات مردم به‌کار رفته است؛ بر همین اساس، بر موضوعاتی چون توحید، امامت،

عدل، دنیا، آخرت، مرگ، فضایل و رذایل اخلاقی، ... - که در جهان‌بینی و ایدئولوژی انسان تأثیری حیاتی دارند- بیشتر از هر موضوع دیگری تأکید شده است.

نکته‌ای که رسالت اصلی یک هنرمند جهانی و صاحب یک شاهکار هنری است، زبان گویای مسائل اهل زمانه خویش و نبوغی چشمگیر است که بتواند فرازمانی و فرامکانی بیندیشد و هنر خود را هدیه‌ای برای ذوق بشر در همه زمان‌ها و مکان‌ها قرار دهد.

2.1.1 اهل بیت (ع)

امام (ع)، اهل بیت را مخزن اسرار پیامبر (ص)، نگهبان دین، مخزن علم پیامبر (ص)، کوه‌های برافراشته، پناهگاه مردم، پرچم و نشان دین، زبان صداقت، درخت نبوت، منزل رسالت، محل آمدوشد ملائکه، معدن علم، سرچشمه حکمت، گنجینه‌داران نبوت، گذرگاه رسالت، ... برشمرده است که هر کدام از این تصاویر، بخشی از زوایای تابناک و ارزشمند وجودی اهل بیت (ع) را روشن می‌سازد. از جمله در تصویر تمثیلی زیر:

ألا إن مثل آل محمد صلی الله علیه و آله کمثل نجوم السماء إذا خوی نجم طلع نجم.
(نهج البلاغه: 92)

همانا مثل آل محمد (ص) چون ستارگان آسمان است که اگر یکی افول کند، ستاره دیگری بر می‌آید.

در خطبه 109 نیز با استفاده از ابزار تشبیه، تابلوهای چشم‌نوازی درباره جایگاه اهل بیت (ع) ترسیم شده است:

نحن شجرة النبوة و محط الرسالة و مختلف الملائكة و معادن العلم و ینایع الحكم. (نهج البلاغه: 106)
ما درخت نبوت و منزلگاه رسالت و جای آمدوشد ملائکه و معادن علم و چشمه‌ساران حکمت هستیم.

2.1.2 قرآن کریم

زیباترین و بیشترین تصاویر تشبیه خطبه‌های نهج البلاغه در خصوص معرفی قرآن کریم طراحی و ترسیم شده‌اند. امام (ع)، قرآن کریم را حبل متین، نور مبین، شفای دردها، سیراب‌کننده تشنگان، منجی، حافظ، سخنور بلیغ، بنیان مستحکم، نور دائم، چراغ خاموش‌نشدنی، دریای عمیق، راه راست، فاصل حق و باطل، عزت دائم، معدن ایمان، سرچشمه علم، دریای دانش، پایه و ستون دین، باغستان عدالت، وادی حقیقت، بهار دل‌ها، سبزه‌زار حقیقت، پرچم و نشان هدایت، مقصد راه پارسایان، دژ مستحکم، مرکب نجات، سپر، ... خوانده است:

ثم أنزل عليه الكتاب نورا لا تطفأ مصابيحها و سراجا لا يخيب توقده و بحرا لا يدرك قعره و منهاجا لا يضل نهجه و شعاعا لا يظلم ضوءه و فرقانا لا يخمد برهانه و تبياناً لا تهتم أركانها و شفاء لا تخشى أسقامه و عزاً لا تهزم أنصاره و حقاً لا تخذل أعوانه فهو معدن الإيمان و بحبوحته و ينابيع العلم و بحوره و رياض العدل و غدرانه و أنافى الإسلام و بنيانه و أودية الحق و غيطانه و بحر لا ينزفه المستنزفون و عيون لا ينضبها الماتحون و مناهل لا يفيضها الواردون و منازل لا يضل نهجها المسافرون و أعلام لا يعمى عنها السائرون و أكام لا يجوز عنها القاصدون جعله الله رباً لعطش العلماء و ربيعا لقلوب الفقهاء و محاج لطرق الصلحاء و دواء ليس بعده داء و نورا ليس معه ظلمة و حبالاً وثيقاً عروته و معقلاً منيعاً ذروته و عزاً لمن تولاه و سلماً لمن دخله و هدى لمن أتم به و عذراً لمن انتحل به و برهاناً لمن تكلم به و شاهداً لمن خاصم به و فلجاً لمن حاج به و حاملاً لمن حملة و مطية لمن أعمله و آية لمن توسم و حنة لمن استلأم و علماً لمن وعى و حديثاً لمن روى و حكماً لمن قضى. (نهج‌البلاغه: 234)

سپس قرآن را بر او فرو فرستاد، به عنوان نوری که چراغش خاموش نمی‌شود، چراغی که شعله‌اش فرو نمی‌نشیند، دریایی که ژرفای آن را کسی نمی‌شناسد، راهی که رهروش را گمراه نمی‌کند، پرتوی که فروغش تیرگی نپذیرد، فرقانی که نور برهانش خاموش نشود، تیبانی که ارکانش ویران نشود، بهبودی که بیم بیماری در آن راه ندارد، عزتی که یارانش را شکست نباشد، حقی که یاورانش را خواری و ذلتی نیست. پس قرآن معدن و بحبوحه ایمان است و چشمه‌سار و دریای دانش، باغستان عدل و آبگیر عدالت است، بنیاد و بنیان اسلام است، وادی حق است و سبزه زارانش، دریایی است که برداشت از آن هرگز خشکش نمی‌کند و چشمه‌ساری است که کشندگان آب، آبش را به ته نرسانند، آبشخوری است که آیندگان آب آن را کم نکنند و منزلگاهی است که مسافران راهش را گم نکنند، نشان‌هایی است که راه‌جویان تا انتهای راه آن را می‌بینند و پشته‌هایی است که روی‌آوردگانش از آن نگذرند. خداوند آن را مایه سیرابی دانشمندان گردانیده است و بهار دل‌های فقیهان و مقصد راه‌های صالحان و دارویی که پس از آن بیماری نماند و نوری که با آن تاریکی باقی نباشد و ریسمانی که دستاویزش استوار است، پناهگاهی که قله‌ای بلند و نگهدارنده دارد و مایه عزت دوست‌دارانش و امان کسی است که در آن وارد شود و مایه هدایت کسانی است که به آن اقتدا می‌کنند، عذرخواه کسی است که آن را به مذهب خود گیرد و برهان کسی است که بدان سخن گوید و گواه کسی است که در مخاصمت از آن کمک گیرد و مایه پیروزی کسی است که آن را حجت خویش قرار دهد، راهنمای کسی است که آن را به کار گیرد، مرکب کسی است که آن را به کار آورد و نشان کسی است که در آن بنگرد، سپر کسی است که خود را در پناه آن قرار دهد، دانش کسی است که آن را به‌خوبی به‌خاطر بسپارد و حدیث کسی است که بخوهد روایت کند و حکم کسی است که بخوهد حکم دهد.

2.1.3 دنیا

از آنجا که نهج البلاغه، دایرةالمعارف تربیت و هدایت است، به موضوع دنیا و محاسن و معایبش به عنوان یکی از موضوعات اساسی در جهان بینی انسان، بسیار توجه شده است. امام علی(ع) در تصویرپردازی های هنری خویش همواره تلاش کرده است به نظریات اسلام در خصوص دنیا تجسم عینی بخشد و مفاهیم ذهنی و انتزاعی را در قالب محسوسات در دسترس احساس و ادراک مخاطب قرار دهد.

امام پارسایان از سویی بیش خود درباره بی ارزش بودن، ناچیزی و فنای دنیا با تعابیر گوناگون به زیبایی تشریح و تصویر کرده است. در نگرش امام(ع)، دنیا از عطسه بز کم ارزش تر است:

ولأفئتم دنیاکم هذه أزهذ عندی من عطفة عنز. (نهج البلاغه: 11)

در خطبه 191 نیز دنیا به زن فریبکار، مرکب سرکش، دروغگویی خیانتکار، ستیزه جوی و حق شناس ناسپاس، ... تشبیه شده است:

ألا وهی [الدنیا] المتصدية العنون و الجامحة الحرون و المائنة الخؤون و الجحودالکنود و العنودالصدود و الحیودالمیود. (نهج البلاغه: 209)

در این عبارت موجز، تعدد تشبیهات و تصاویر دنیا به همراه موسیقی دلنشین موازنه، سجع، جناس، تکرار صوتی، تکرار وزن مبالغه (فعول)، تنسیق صفات، فصاحت الفاظ و وضوح و شیوایی مفردات، باعث زیبایی مضاعف و جذابیت فوق العاده کلام شده است. دنیا در تعابیر دیگری از خطبه های امام علی(ع)، به صورت دار فانی، سایه، ستون کج، منزل گذر، بنای درحال ویرانی، منزل رنج، مرکب سرکش، کوی زندگی تلخ، ... ترسیم شده است. امام(ع) درباره باقی مانده دنیا می فرماید:

ألا و إن الدنیا قد ولت حذاء فلم یبق منها إلا صباة کصباة الإناء اصطبها صابها. (نهج البلاغه: 40)

آگاه باشید که دنیا پشت کرده و شتابان می رود و از آن جز اندکی باقی نمانده است، همچون قطره های مانده بر ظرفی که آب آن را ریخته اند و خالی است.

از سوی دیگر، امام علی(ع) از یک زاویه دید بسیار لطیف، دنیا را می ستاید و از آن با تعابیری چون سجده گاه مؤمنین، محل تجلی برکات و نعمات خداوند و جایگاهی که در آن باید آخرتی روشن و امن را ساخت، یاد می کند. به عبارت دیگر، دنیا فی حدنفسه در نگاه امام

مظهر شرارت و بدی و تیرگی نیست، بلکه آنچه نزد امام(ع) منفور و نکوهیده است، نیازدگی و مادی‌گرایی است. (نهج‌البلاغه: 384)

2.1.4 فضایل و رذایل اخلاقی

تقوا نیز به‌عنوان برترین مایه کرامت انسان، جلوه خاصی در خطبه‌های نهج‌البلاغه دارد و تصاویر و تعبیر تشبیهی متعددی را به‌خود اختصاص داده است. از تقوا به‌عنوان توشه راه، دژ استوار، داروی درد قلب‌ها، بصیرت دل‌ها، شفای امراض، نور دل‌ها، سپر، راه بهشت، ذخیره سفر مرگ و مرکب راهوار راه بهشت تعبیر شده و از اهل تقوا به‌عنوان چراغ شب، تار، نابودکننده تیرگی‌ها، کلید درهای بسته، راهنمای بیابان گمراهی، معدن دین و اوتاد زمین یاد شده است. هر کدام از این تشبیهات، زاویه‌ای از زوایای ارزشمند و جهات مفید و نجات‌بخش تقوا و پرهیزکاران را به‌تصویر می‌کشد:

أما بعد، فإني أوصيكم بتقوى الله الذي ابتدأ خلقكم وإليه يكون معادكم و به نجاح طلبتكم وإليه منتهى رغبتكم و نحوه قصد سبيلكم وإليه مرامي مفزعكم، فإن تقوى الله دواء قلوبكم، و بصر عمى أفندتكم، و شفاء مرض أجسادكم، و صلاح فساد صدوركم، و ظهور دنس أنفسكم و جلاء عشا أبصاركم و أمن فرج جأشكم و ضياء سواد ظلمتكم. (نهج‌البلاغه: 232)

بعد از حمد و ثنای الهی، شما را به تقوا و ترس از خدایی سفارش می‌کنم که شما را آفرید. بازگشت شما هم به سوی اوست و برطرف‌شدن نیازهای شما به خواست اوست. نهایت رغبت و مطلوب شما به‌دست او و منتهای راه شما به درگاه اوست. او تنها پناهگاه شماست. تقوای الهی، داروی درد دل‌های شما و موجب بینایی بینش کور شماست و ترس از خدا شفای بیماری جسم و اصلاح‌گر فساد سینه‌های شما، پاک‌کننده آلودگی جان‌های شما، روشنی‌بخش تاریکی دیده‌هاتان، ایمنی‌بخش دل‌های نگران و بیمناک شما و مایه روشنی وجود شما از هر تاریکی است.

در این عبارات، تشبیهات دقیق، پویا، مکرر و متناسب با مفاهیم به‌کار رفته و مناسب‌ترین کلمات و جملات گزینش شده است.

همچنین، امام(ع) در عبارتی نغز و پرمحتوا از خطبه 191 می‌فرماید:

أوصيكم عبادالله بتقوى الله فانها حق الله عليكم والموجبة على الله حقاكم و أن تستعينوا عليها بالله و تستعينوا بها على الله، فإن التقوى فى اليوم الحرز و الجنة و فى غد الطريق إلى الجنة ... (نهج‌البلاغه: 209)

ای بندگان خدا، شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، که تقوا حق خدا بر شماست و موجب حق

شما بر خدا می‌شود و اینکه از خدا در پرهیزکاری یاری جوید و از پرهیزکاری در به‌جا آوردن حق خدای متعال یاری طلبید، چرا که تقوا امروز سپر و پناهگاه و فردا راه بهشت است.

در این عبارت نیز تقوا به پناهگاه و سپر در دنیا و راه بهشت در آخرت تشبیه شده است. امام علی (ع) به‌عنوان هدایتگر و مصلح انسان‌ها، تلاش می‌کند تصاویری دقیق از فضایل و رذایل اخلاقی ارائه دهد تا مخاطب مشتاقانه به‌سوی فضایل بشتابد و از رذایل اخلاقی احتراز جوید؛ از جمله در خطبه دوازدهم، گناه چون اسب سرکش و افسارگسیخته‌ای معرفی شده است که سوار خود را به‌سوی هلاکت پیش می‌برد و درمقابل، تقوا چون مرکب راهواری است که زمامش در اختیار سوارش است و به‌سوی بهشت در حرکت است:

ألا وإن الخطايا خيل شمس حمل عليها أهلها و خلعت لجهنم، فتقحمتم بهم في النار. ألا وإن التقوى مطايا ذلل حمل عليها أهلها و أعطوا أزمتهن، فأوردتهم الجنة. (نهج‌البلاغه: 17)

خطبه 198، از خطبه‌های بسیار غنی و شگفت‌انگیز نهج‌البلاغه و در تصویرپردازی شاهکاری ارزنده است. در این خطبه، تصاویر متعدد و متنوع از تقوا، اسلام، قرآن، طاعت الهی، ... طراحی و ترسیم شده است که درس‌های آموزنده و پرمحتوایی را دربر دارد؛ از جمله بر اطاعت از اوامر الهی با تصویرپردازی هنری امام علی (ع) تأکید فراوان شده است. امام (ع)، طاعت الهی را پناهگاه، امیر، شفیع، سپر، چشمه آب روان، چراغ تاریکی قبر، آرامه تنهایی، ریسمان نجات، ... خوانده است.

فاجعلوا طاعة الله شعارا دون دئاركم و دخيلا دون شعاركم و لطيفا بين أضلاعكم و أميرا فوق أموركم و منهلا لحين ورودكم و شفيعا لدرک طلبتكم و جنة ليوم فزعكم و مصابيح لبطون قبوركم و سكتنا طول وحشتكم و نفسا لكرب مواطنكم، فإن طاعة الله حرز من متالف مكنفة و مخاوف متوقعة و أوار نيران موقدة. (نهج‌البلاغه: 232)

پس فرمانبرداری خدا را پوشش درون و جان خود کنید، در زیر هر پوشش و لباس ظاهری دیگر تا بین پهلوهای شما (درون شما) را دربر گیرد. فرمانبرداری را امیر امورتان سازید و آبخووری برای زمانی که بدان درمی‌آید و شفيعی برای روا شدن حاجات و سپری برای زمان وحشت و چراغ‌های روشنی برای درون قبرهایتان، آرامه تنهایی طولانی و غم‌زدای منزلگاه‌هاتان؛ چرا که فرمانبرداری خدا، پناهگاه شماست در هلاکت‌گاه‌های نهان و اماکن وحشت که بیم افتادن در آن است و پناه شما از شعله‌های آتش سوزان است.

در تصویرپردازی‌های امام علی (ع)، نماز، طوفانی است که گناهان را چون برگ پاییزی به زمین می‌ریزد و یوغ معصیت را از گردن انسان می‌گشاید:

إنها [الصلاة] لتحت الذنوب حت الورق و تطلقها إطلاق الریق. (نهج‌البلاغه: 235)

از دیگر موضوعات پربسامد تشبیهات امام(ع) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تصویر نماز، انتظار فرارسیدن حاکمیت و زمامداری صالحان، ترسیم سیمای زمامداران دنیاطلب، مذمت خشم و غضب و عصبیت جاهلی، ترسیم سیمایی دلنشین و مهربان از حضرت رسول (ص)، تشبیه افراد فاقد علم و ایمان به چهارپایان و سنگ‌های سخت، آوردن توصیف‌هایی هولناک و تأمل‌برانگیز از فتنه‌ها، تشبیه افرادی که از جهاد در راه حق می‌گریزند به گله سوسمارانی که فرار می‌کنند و یا شترانی که مهارشان رها شده است. همین جستار اندک در موضوعات نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین درد و دغدغه خطیب روشن‌بین آن، درد دین و هدایتگری نسل‌های بشر بوده و والاترین دستاورد و ثمره شیرین این شاهکار ادبی، تعلیم و تربیت مخاطبان و تزکیه و پرورش گوهر فاخر انسانیت در نهاد آنان و اعطای یک جهان‌بینی صحیح و متعالی است، یعنی ارزشمندترین هدفی که می‌تواند در جهان خلقت محقق شود، چه خداوند بالاترین هدف انبیا را نیز تزکیه انسان‌ها معرفی می‌کند: .. یزکیهم و یعلمهم ... (آل عمران، 164/3 و جمعه، 2/62)

2.2 حرکت و پویایی تشبیهات

یکی از شاخصه‌های مهم ارزیابی تصاویر فنی و از جمله تشبیهات، پویایی، حرکت و حیات آنها است. حرکت و حیات باعث جذابیت تصویر و انتقال آسان پیام‌ها به مخاطب می‌شود. تشبیهاتی که امام(ع) در کلام خویش به کار گرفته است، به شکلی بسیار بارز و آشکار، پویایی، حرکت و حیات دارد. از این رو، مفاهیم مجرد و انتزاعی و مفاهیم پیچیده عقلی و فلسفی به موجود یا پدیده‌ای پرتحرک، مهیج و پویا تشبیه می‌شوند و به این وسیله در دسترس حواس مخاطب قرار می‌گیرند. حرکت و پویایی، از راه‌های مختلفی ایجاد می‌شود؛ از جمله:

2.2.1 موجودات زنده در تصاویر تشبیهی

یکی از راه‌های ایجاد حرکت و حیات در تصاویر هنری، استفاده از موجودات زنده در آن است. در این راستا، استفاده از جانداران و موجودات زنده به عنوان مشبه‌به، جایگاه ویژه‌ای در کلام امام(ع) دارد، چرا که پویایی و زیبایی بیشتر تصویر را در پی دارد. تشبیه مردم زمانه جهل به گرگ، سلاطین دوره نادانی به حیوانات درنده، روزگار به حیوان درنده، گریز مردم از حق به فرار بز از غرش شیر، فراریان از جنگ به سوسمارهای

خزنده، حاکمان بنی‌امیه به شتران چموش، از جمله تشبیهات پرتحرک و پویایی است که در خطابه امام(ع) به کار رفته است.

تشبیه تمثیلی حال مردم دنیا و عملکرد خوب و بد آنها به حال سوارکاران در میدان مسابقه و چگونگی پیروزی آنها و جوایزشان، از تصاویر پرهیجان و دقیقی است که امام علی(ع) هنرمندانه به کار برده است.

2.2.2 بررسی عناصر برگرفته از انسان و زندگی انسانی

عناصر طبیعی تشبیهات امام(ع) اکثراً از اجزایی از زندگی عادی و محیط طبیعی پیرامون مخاطبان اخذ شده است؛ خصوصاً وقتی مشبه‌به‌ها از عناصر برگرفته از زندگی انسانی انتخاب می‌شوند. این اجزا ساده و در دسترس هستند و از میان اشیای پیش‌پاافتاده همین زندگی عادی مردم برگزیده شده‌اند که در نگاه اول شاید تصور شود از این عناصر ساده و بی‌رنگ و لعاب نمی‌توان تشبیهاتی جذاب و صحنه‌هایی ماندگار در ذهن خلق کرد؛ اجزایی چون سپر، راه، مرکب، ظرف خالی از آب، خانه ویران، ستون شکسته، تیغ بران، جامه پوسیده، چراغ، آتش‌زنه، آب زلال و صدها مقوله ساده و دردسترس و دارای بار معنایی اندک یا متوسط که مسیحای نهج‌البلاغه روح حیات و تحرک و جاودانگی در کالبد خاموش آنها می‌دمد و آنها را جزیی از یک تصویر پرتپش و یک تشبیه تأمل‌برانگیز می‌سازد.

تشبیه انسان به انسان در تصاویر خطبه‌ها کمتر دیده می‌شود؛ مثل آنجا که امام(ع)، حضرت رسول(ص) را در خطبه 108 به طیب ماهری که بر بالین هر بیمار حاضر می‌شود، تشبیه کرده است که قلب کسانی را که از چراغ دانش بهره‌ای نگرفته‌اند و آتش‌زنه علم را مایه روشنی جان قرار نداده‌اند، معالجه می‌کند؛ و درمقابل، این افراد را به چهارپایان و سنگ‌های سخت مانند کرده است.

در خطبه 97، تصاویر دیگری از افراد گریزان از جنگ ارائه شده است. در این خطبه، آنها به حاضران چون غایب، ارباب در گفتار و غلام در رفتار، رم‌کننده از حکمت و کمان خمیده تشبیه شده‌اند که در برابر دعوت به جهاد همچون قوم سبا پراکنده می‌شوند و اندرزدادن به آنها در آهن سرد کوبیدن و سنگ خارا را به ناخن سودن است. (نهج‌البلاغه: 89)

در بخشی از تشبیهات موجز خطبه 192 خشم، غضب و عصبیت به آتش سوزان تشبیه؛ و کبر چون بادی ترسیم شده است:

... پس آتش عصبیت را که در دل‌هایتان نهفته است، خاموش سازید. (نهج‌البلاغه: 213)

... حمیت، آتش غضب در دل او افروخت و شیطان باد کبر در دماغش دمید.
(نهج‌البلاغه: 232)

در خطبه 86 نیز حسادت، به آتش سوزان تشبیه شده است که ایمان را نابود می‌کند:

ولا تحاسدوا فإن الحسد يأكل الإيمان كما تأكل النار الحطب. (نهج‌البلاغه: 68)

از خلال همین نمونه‌های اندک، چهره عناصر بی‌جان طبیعت در خطبه‌های امام(ع) به خوبی ترسیم و معلوم می‌شود که بیان ساده خطیب نهج‌البلاغه، چگونگی از تلفیق اشیای در دسترس چون آب و آتش، سنگ و ریسمان، ستون شکسته خانه‌ها، تیغ و سپر و راه‌های بیابان، تصاویر تازه و زنده‌ای می‌آفریند، آن هم نه خلق تصاویر برای هنرنمایی، بلکه برای رشد و تعالی و هشدار به نسل بشر؛ و این از سادگی و همه‌فهم بودن تصاویر خلق شده به خوبی پیدا است.

2.2.3 ظهور عناصر طبیعت در تصاویر تشبیهی

عناصر طبیعت همواره یکی از پویاترین و پرکاربردترین اجزای صور خیال شاعران و ادیبان در همه دوره‌های ادبی بوده است. در نهج‌البلاغه اجزای طبیعت جاندار و بی‌جان اغلب به صورت مشابه در تشبیهات حضور دارند و گاه نیز مشبه واقع می‌شوند تا پیوند ناگسستنی زبان و ادبیات امام(ع) را با طبیعت پیرامونی اثبات کند؛ چنان که گفته‌اند:

ادبیات سه قرن اول، ادبیات طبیعت است، اگرچه طبیعت از عناصر همیشگی و اولیه شعر و ادب در هر زمان و مکانی است و هیچ‌گاه نمی‌توان طبیعت را از ادبیات جدا کرد؛ چرا که در این دوره، ادبیات برون‌گرا است و دید ادیبان بیشتر در سطح جریان دارد و در ورای پرده طبیعت و عناصر مادی هستی، چیزی نفسانی و عاطفی را کمتر می‌جوید، بلکه مانند نقاشی دقیق که همه کوشش خود را صرف ترسیم دقیق موضوع می‌کند، همت خود را صرف نسخه‌برداری از طبیعت و دنیای پیرامونی می‌کند و کمتر یک حالت ذهنی و یا عاطفی در توصیفات این دوره یافت می‌شود. (شفیعی کدکنی، 1372: 317)

اما خطبه‌ها و نوشته‌های امام(ع)، با وجود بهره‌گیری بسیار عمیق و گسترده از عناصر و تصاویر طبیعت، معانی ژرف و تأثیرگذار فراوانی را در خود جای داده است. در آثار هنری دوره‌های نخستین تکامل ادبی، اغلب، تأثرات درونی ادیب تجلی نمی‌یابد تا اثر ادبی را به زمینه‌های درونی بکشاند؛ اما خطبه‌ها و نوشته‌های امیر بیان در نهج‌البلاغه آن‌چنان سرشار از معانی عمیق و تأثرات شخصی و مفاهیم بلند انسانی است که به خوبی سیمای یک اثر هنری ممتاز و ماندگار را بی‌آنکه متعلق به دوره ادبی خاصی باشد، به نمایش می‌گذارد.

طبیعت در آثار ادبی این دوره، به دو گونه مطرح می‌شود:

الف) توصیف به‌خاطر توصیف که توصیف‌های خالص و وصف به‌خاطر وصف را شامل می‌شود و نوعی نقاشی است و شاید بتوان گفت نوعی بروز نمونه‌های اولیه هنر برای هنر است؛ چیزی که ابداً در توصیفات و تصاویر امام علی (ع) دیده نمی‌شود، زیرا ساحت معنایی آثار امام (ع) پیراسته‌تر و ملکوتی‌تر از آن است که بخواهد دل و جان مخاطب را مشغول تصاویر فریبده‌ای کند که بار معنایی چشمگیری به‌همراه ندارد.

ب) قطعاتی ادبی درباره طبیعت که به بهانه مدح خلق می‌شود یا به‌ندرت موضوعی دیگر است. (شفیعی کدکنی، 1372: 317-318) باز هم اگر دقیق بنگریم، خطبه‌های امام (ع) از این دست هم نیست؛ یعنی طبیعت‌گرایی آثار آن حضرت (ع) به‌گونه‌ای نیست که خود، موضوعی محوری در آثار بوده باشد، بلکه تنها دستاویزی برای بیان هنرمندانه و دلربای مفاهیم ژرف و عظیم دینی و اخلاقی قرار می‌گیرد و آن‌قدر نامحسوس در تار و پود معانی تنیده می‌شود که غالباً شنونده به‌راحتی در نمی‌یابد که آن لذت ادبی که از یک تصویر احساس کرد، حاصل حضور یکی از عناصر طبیعت بوده است. ادیب *نهج‌البلاغه*، معانی ناب و ریشه‌دار را از سویی و ذهن محدود و این‌جهانی مخاطب را از سوی دیگر در نظر می‌گیرد، سپس برای هموار کردن راه او جهت وصول به این معانی بلند، تصاویر بکر و پویایی می‌آفریند که در عین حال که با لطافت هر چه تمام‌تر مفهومی ماندگار از آن مضمون را در ذهن مخاطب حک می‌کند، خود هنری والا و ادبیاتی فاخر را به‌نمایش می‌گذارد که با هر ذوق سلیم و ذهن خلاق همسویی دارد.

می‌توان گفت در تصاویر تشبیهی امام (ع)، عناصر طبیعت جاندار ظهور و تکراری بیشتر از اجزای بی‌جان طبیعت دارند و این نیز بدان سبب است که عناصر طبیعت جاندار، حرکت و پویایی بیشتری به تصاویر می‌بخشند و با ذهن مخاطب همسویی عمیق‌تری دارند و چون عناصر زنده طبیعت، خود فعال، متحرک و دارای عمل و عکس‌العمل هستند، جنبه‌های شخصیتی و وجوه موضوعی تأثیرگذارتری دارند.

پرکاربردترین عناصر زنده طبیعت در *نهج‌البلاغه*، انواع حیوانات بادیه، شتر و اندکی نیز انسان است. حضور مکرر حیواناتی چون گریز، کفتار، شیر، شترمرغ، سوسمارهای صحرائی، مار، گله‌های شتر، تصاویر ادبیات جاهلی و بادیه‌نشینان را به‌اندازه‌ای ترسیم کرده است که آدمی را به‌راحتی مجاب می‌کند که *نهج‌البلاغه* را از حیث ظهور این‌گونه تصاویر، متعلق به ادب دوره جاهلی به‌شمار آورد؛ خصوصیتی که شاید این تصاویر را برای ذوق

انسان امروزی اندکی غریب و خشن جلوه دهد و از سویی نیز باعث جذابیت و دیرپا شدن تصاویر آن شود.

تصاویر برگرفته از طبیعت بی‌جان مانند چشمه، کوه، سنگ، گیاهان، راه‌ها و بیابان‌ها هم در نهج‌البلاغه کم نیست که به فراخور موضوعات مختلف از آنها استفاده شده است و باز هم رنگ و حال و هوای طبیعت جاهلی را با خود دارد.

در نهج‌البلاغه، مشبه اغلب، انسان‌هایی هستند که در یک ویژگی نه‌چندان پیچیده و دور از ذهن، به حیوانات مختلف صحرا مانند شده‌اند و یا فتنه‌ها به شتری تشبیه شده‌اند که فتنه‌جویان آن را مهار کرده و بر آن نشسته‌اند و برای اهداف شوم خود به‌پیش می‌رانند.

امیر مؤمنان(ع) برای فهماندن اهمیت و ضرورت تقرب به درگاه الهی به مخاطب، از چند تصویر متوالی و دقیق و تکان‌دهنده استفاده می‌کند:

به خدا اگر همچون شتر بچه‌مرده بنالید و چون کبوتر جفت از دست‌داده بانگ برآورید و چون راهب تارک دنیا فریاد زنی و مال و فرزندان را رها کنید تا به قرب الهی برسید و رتبه شما افزون شود یا گناهان شما بخشیده شود، گناهی که در نامه‌های شما ثبت شده است و فرشتگان آنها را از خاطر نبرده‌اند، این همه درمقابل ثوابی که از خدا برای شما امید دارم و کيفر او که از آن بر شما درهراسم، بسی اندک و ناچیز است. (نهج‌البلاغه: 44)

انتظار فرارسیدن حاکمیت و زمامداری صالحان، در تصاویر کلام امیر مؤمنان(ع)، چون انتظار بارش باران برای قحطی‌زدگان است. در این تصاویر، حاکمیت جائران و ستمکاران همچون نزول قحطی و شیوع تشنگی و گرسنگی ترسیم شده و حاکمیت صالحان و عدالت‌پیشگان چون بارش قطرات احیاگر باران تجسم یافته است که مردم قحطی‌زده را نجات می‌دهد و شادابی و طراوت و نشاط و حیات را به‌ارمغان می‌آورد؛ و این نمونه‌ای از گرایش به خرمی، سرسبزی و وفور نعمت و گریز از خشم و خشونت طبیعت را در مقوله طبیعت‌گرایی خطبه‌ها نشان می‌دهد. در مقابل، امام علی(ع) زمامداران بنی‌امیه را به شتران بدخو و سرکشی تشبیه می‌کند که صاحبان خود را به دندان می‌گیرند، با دستشان بر سر او می‌کوبند و با پای وی را از خود دور و از شیر خود منع می‌کنند:

... وایم الله لتجدن بنی‌امیه لکم أریاب سوء بعدی، کالئاب‌الضروس: تعذب بفيها و تخبط ببيدها و تزين برجلها و تمنع درها. (نهج‌البلاغه: 86)

در این تمثیل زیبا، حال حاکمان بنی‌امیه در برابر صالحان اصلی قدرت (مردم) به‌تصویر کشیده شده است. بدترین شتر آن است که صاحبش نه می‌تواند سوارش شود، نه می‌تواند

شیرش را بدو شد و نه از تندخویی او در امان است. حاکمان بنی‌امیه به چنین شتری تشبیه شده‌اند و حال مردم در برابر بنی‌امیه، حال صاحب چنین شتر بی‌ارزشی است.

بدخویان جاهلی در خطبه 166 به تخم شتر مرغ تشبیه شده‌اند که در گودالی در ریگستان گذاشته شده باشد: اگر آن را بشکنند، گناه است و اگر رهایش کنند، ممکن است ماری سیاه در درون آن باشد. (نهج‌البلاغه: 173)

امام علی (ع) در خصوص افراد گریزان از جهاد نیز تعابیر و تصاویر زیبایی به کار برده و در آن، نفرت خود را از گریز از جهاد و مبارزه در راه خدا اعلام کرده‌است. آن حضرت (ع) در خطبه 123 کسانی را که از صحنه جنگ می‌گریختند، به گله‌ای از سوسمارها تشبیه کرده است:

گویی شما را می‌نگرم صغیر زنان و در حال فرار، چون گله‌ای از سوسمار که می‌خزند و نشان به هم می‌ساید و آوایی نرم از آن برمی‌آید؛ نه حقی را می‌گیرید و نه ستمی را بازمی‌دارید. این شماید و راهی که پیش روی دارید؛ رهایی از آن کسی است که خود را به خطر افکند و تباهی از آن کسی است که در کار درنگ کند. (نهج‌البلاغه: 121)

امام (ع) در خطبه 39 نیز با استفاده از ابزار تشبیه، شدت عصبانیت و نارضایتی خود را از کسانی که از شرکت در جهاد خودداری کردند، به تصویر کشیده است:

شما را به یاری برادرانتان خواندم. همچون شتری که از درد سینه می‌نالد و زخم پشت، او را از رفتن بازمی‌دارد، ناله در گلویتان شکستید و بر جای خویش نشستید. سرانجام عده‌ای نگران و ناتوان نزد من آمدند؛ کسانی که گویی آنها را به سوی مرگ پیش می‌برند و آنان نظاره می‌کنند. (نهج‌البلاغه: 38)

در خطبه 131، تشبیهی پویا و دقیق درباره حق‌گريزان به کار رفته است. در این خطبه، حق‌گريزان به بزغاله‌هایی تشبیه شده‌اند که از غرش شیر می‌رمند:

ای مردم رنگارنگ، با دل‌های پریشان و ناهماهنگ! تن‌هاشان عیان و خردهاشان از آنان نهان. در شناخت حق شما را می‌پرورانم، همچون دایه‌ای مهربان؛ و شما از حق می‌رمید چون بزغالگان از بانگ شیر غران. هیهات که به یاری شما تاریکی را از چهره عدالت بردیم و کجی را که در حق راه یافته است، راست سازم. (نهج‌البلاغه: 129)

وقتی به تماشای تابلوهای طبیعی و ساده‌ای که امام پارسایان با استعانت از حیوانات محیط طبیعی خلق کرده است، می‌نشینیم، نگارگری خلاق و خوش ذوق می‌بینیم که از سویی پیوند عمیقی میان ذهن مخاطب و طبیعت ساده و ابتدایی پیرامونش برقرار کرده و از

سویی دیگر تصاویری ماندگار آفریده و خرمی از گوهرهای چشم‌نواز معانی و مفاهیم ارزشی را در دامان نسل‌های مختلف ریخته است، تصاویری که نه هرگز کهنه می‌شوند و نه ذهن مخاطب را به راحتی ترک می‌کنند، تصاویری که موضوع مورد بحث و وجه شبه‌خود را چون نقش بر سنگ در دل و جان آدمی می‌نشانند اگر چه بخش زیادی از آن عناصر اینک جزء اجزای محیط زندگی فعلی ما نیستند.

در بررسی تصاویر برگرفته از طبیعت در نهج‌البلاغه در یافتیم که برخلاف اکثر تصاویر بسیار ساده و بیرونی و به دور از هرگونه زمینه عاطفی در این دوره ادبی، تصاویر تشبیهی امام(ع) از عاطفه انسانی عمیق و تأثیرگذاری سرشارند، و هیچ‌کس همچون امیر بیان نمی‌تواند زبان گویای عواطف انسانی باشد. اعلام خشم و نارضایتی از حق‌گريزان و دوری‌کنندگان از راه صحیح، بیان چهره ناخجسته دنیازدگی و مادی‌گرایی، تصویر تقوا و قرب الهی و صدها مضمون برگرفته از متن دین و منطبق با فطرت سلیم بشری، در خطبه‌های نهج‌البلاغه جلوه‌گر شده است.

3. کاربرد شیوه‌روایی در تشبیهات

نکته قابل توجه دیگری که در واکاوی هنری تصاویر خطبه‌های امام(ع) جلب نظر می‌کند، صحنه‌پردازی و شیوه داستان‌پردازی تشبیهات به کاررفته در هنر سخنوری آن حضرت(ع) است. حضرت امیر(ع) از رهگذر این تصویرگری داستانی، بسیاری از وصف‌های تشبیهی خود را سرشار از حرکت و زندگی کرده به گونه‌ای که اغلب تشبیهات ایشان در نوعی روایت تفصیلی جاری بوده و با گونه‌ای بیان روایی همراه است. این بیان روایی، سبب قوت و وسعت مضامین و بالابردن سطح دقت و توجه شنونده و خواننده مطالب می‌شود. حضرت(ع) می‌کوشد در تصاویر خود، شناختی تازه از این دنیای گسترده به شنونده هنر خود بدهد و او را با کشف‌هایی که خود از محیط پیرامونش حاصل کرده است، آشنا سازد؛ کشف‌هایی که بخشی از آنها متعلق به لحظه‌های گذرای زندگی است. در این دنیای داستانی، پرندگان، حیوانات و اجزای طبیعت در کنار هم و جدای از هم به وصف کشیده می‌شوند. همه اجزایی که امام(ع) آنها را توصیف می‌کند، در نهایت تشکیل‌دهنده کلیت دل‌انگیزی هستند که اگرچه ترسیم آنها هدف غایی امام(ع) نبوده، حاصل همان دقتی است که او در اجزای طبیعت داشته است. خطیب نهج‌البلاغه در توصیف جزئی از طبیعت، به گونه‌ای عمل می‌کند که اجزا و مظاهر دیگر محیط نمی‌تواند ذهن او را برآید. تصاویر تشبیهات در

خطبه‌ها، سرشار از ترسیم صحنه‌هایی است که هر یک به تنهایی یک داستانک است دارای شروع، خاتمه، و شخصیت‌هایی پرتحرک که برای بیان یک رسالت معنوی عظیم طراحی شده‌اند، موضوع و تم اصلی داستان، اوج، گره‌گشایی و نتیجه‌گیری، و مضمونی محوری. امام علی(ع) حال انسان را که مدتی کوتاه در دنیا اقامت و سپس آن را ترک می‌کند، به حال مسافرانی تشبیه کرده است که مدتی کوتاه در جاهایی از منزلگاه‌های راه اقامت می‌کنند، سپس به راه خود ادامه می‌دهند تا به منزل دائم خود برسند:

بندگان خدا، شما را سفارش می‌کنم این دنیا را که وانهدند شماست، واگذارید، هر چند وانهادن آن را دوست نمی‌دارید؛ دنیایی که تن‌ها را کهنه می‌کند، هر چند که نوشدن آن را خوش دارید. مثل شما و دنیا، چون گروهی همسفر است که به راهی می‌روند و تا درنگرند، آن را می‌سپزند و یا قصد رسیدن به نشانی کرده‌اند و گویی بدان رسیده‌اند. (نهج‌البلاغه: 91)

امیر مؤمنان(ع) در خطبه 175، تمثیل دیگری در وصف حال غافلان از حق ارائه کرده است. در این تمثیل، حال غافلان از حق - که از منبع رحمت فاصله گرفته و به غیر دل بسته‌اند و در نتیجه در معرض هلاکت قرار گرفته‌اند - به حال چهارپایانی تشبیه شده که چوپان آنها را در کشتزاری و باخیز و درکنار آبشخوری زهرآلود رها کرده است. امام(ع) بلافاصله با تصویر تمثیلی دیگر، تصویر قبل را تکمیل می‌کند و حال غافلان از حق را به حال گوسفندی تشبیه می‌کند که دائم می‌چرد تا فربه شود و زیر کارد رود، لیکن نمی‌داند از او چه می‌خواهند و با او چه می‌کنند؛ اگر به آن نیکی کنند، روز خود را روزگاری به‌شمار آورد و سیری خود را پایان کار پندارد:

أها الغافلون غیر المغفول عنهم والتاركون المأخوذ منهم، مالی أراکم عن الله ذاهبین و إلی غیره راغبین. کأنکم نعم أراح بها سائم إلی مرعی و بی و مشرب دوی. أنما هی کالمعلوفة للمدی لا تعرف ماذا یراد بها، إذا أحسن إلیها تحسب یومها دهرها، و شبعها أمرها. (نهج‌البلاغه: 181)

امام علی(ع) در نکوهش مردم عراق، تمثیلی زیبا، دقیق و هشداردهنده به کار می‌برد، که در آن زشتی کارها و برخی ادعاهای کذب اهل عراق علیه امام(ع) به خوبی ترسیم شده است. امام(ع) در این تمثیل، حال مردم عراق را به حال زن حامله‌ای تشبیه می‌کند که وقتی زمان بارداری اش به پایان می‌رسد، کودک خود را مرده به دنیا می‌آورد، سرپرست او نیز از دنیا می‌رود، مدتی طولانی بدون همسر می‌ماند و دورترین فرد به وی، میراث او را می‌خورد:

أما بعد يا أهل العراق فإنما أنتم كالمرأة الحامل حملت حملها، فلما أنمت أملت و مات قيّمها و طال تأيّمها و ورثها أبعدها. أما والله ما أتيتكم اختياراً ولكن جئت إليكم سوقاً ولقد بلغني أنكم تقولون علىّ يكذب. قاتلكم الله فعلى من أكذب. أعلى الله؟ فأنا اول من آمن به. أم على نبية؟ فأنا اول من صدقه. (نهج‌البلاغه: 54)

چنان‌که ملاحظه می‌شود، هر یک از این تصاویر خود داستانی پندآموز و یا دست‌کم مجموعه‌ای از چند تصویر و صحنه پرتحرک به هم پیوسته است که بار عظیمی از معانی، عتاب و خطاب‌ها، سرزنش‌ها و اندرزها را به‌دوش دارد. امام (ع) به‌عنوان خالق مضامینی ناب و درخشان در قالب تشبیهات جذاب، توصیف‌گر لحظات گذرای زندگی می‌شود و تغییر نموده‌های لحظه به لحظه پیرامون خود را از نظر دور نمی‌دارد؛ و از این نظر، کار او را با نقاشان امپرسیونیسم مانند کرده‌اند، زیرا نقاش امپرسیونیسم هم به دگرگونی جلوه‌ها و رنگ‌های اشیا در ابعاد و لحظه‌ها توجه دارد و هر تصویر او تحت تأثیر یک مؤثر خارجی که مثلاً می‌تواند زاویه تابش نور خورشید و یا چگونگی جمع‌شدن دسته‌ای از حیوانات باشد، تغییر می‌کند. (امامی، 1371: 28)

4. بررسی شکلی و ساختاری تشبیهات

بررسی ویژگی‌های ساختاری تشبیهات موجود در خطبه‌های امام (ع) از قبیل وضعیت مشبه و مشبه‌به از نظر حسی و عقلی بودن، درخشش و چشم‌گیر بودن وجه‌شبه و ضعف و قوت آن، مرسل، بلیغ و یا تمثیلی بودن تشبیهات و مسائلی از این دست می‌تواند دریچه‌ای بر روی کیفیت کارکرد شکلی تشبیهات امام (ع) بگشاید. آنچه در تصویرسازی‌های امام (ع) جلوه خاص دارد، نگاه تشبیهی ایشان به مسائل انتزاعی پیرامونی است. به تعبیری می‌توان گفت ایشان از میان صور خیال گوناگون، عنایت ویژه‌ای به تشبیه‌های مادی و حسی داشته‌اند. البته، تردیدی نیست که این استفاده از تشبیهات حسی، نمودی از ادبیات برون‌گرای زمان ادیب است؛ اما در واقع امیرالمؤمنین (ع) می‌کوشد از تشبیهات به‌عنوان پلی بین پدیده‌های عینی و ذهنی استفاده کند؛ و همین رویکرد و احساس نیاز به حرکت از ذهنیت به‌سوی عینیت و انتقال مفاهیم انتزاعی در قالبی عینی و ملموس، سبب شده است که تشبیهات عقلی به حسی نیز در مجموعه تصاویر تشبیهی امام (ع) فراوان یافت شود و سطح کیفی تشبیه‌ها آن‌قدر مطلوب باشد که در مرزهای یک استعاره خلاق و دلنشین قرار گیرند.

امام (ع) در بیانات و تعبیر خویش، از تشبیه تمثیل فراوان استفاده کرده است. علت این است که تشبیه تمثیل برای موضوعاتی چون حکمت، زهد و اندرز و مباحث انتزاعی و

تفهیم مباحث عقلی، کلامی و اخلاقی بسیار متناسب است و کارآیی و تأثیرگذاری فراوان دارد. در قرآن کریم نیز در موضوعاتی از این دست، تشبیه تمثیل بسیار به کار رفته است. در خطبه‌های امیر مؤمنان(ع)، یک یا چند موضوع کاملاً مرتبط و منسجم محوریت دارند و کل خطبه براساس آنها سامان‌دهی شده است؛ و در این میان، از تشبیهات متناسب با محتوا و سامان‌دهی کلی خطبه استفاده شده است. امام علی(ع) به تناسب اهمیت موضوع و نیاز مفهوم به تقریر و تفهیم و توضیح، از تکرار و تعدد صور خیال و از جمله تشبیه استفاده می‌کند. غالب تشبیهات امام(ع) بلیغ هستند؛ و آن حضرت(ع) از تشبیه در قالب مفعول مطلق نوعی بسیار استفاده می‌کند که از انواع تشبیه بلیغ به‌شمار می‌رود؛ از جمله:

يخضون مال الله خضمة الإبل نبتة الربيع. (نهج‌البلاغه: 10)
لاضطربتم اضطراب الأرشية في الطوى البعيدة. (نهج‌البلاغه: 13)

تشبیهات امام علی(ع) بسیار دقیق است. این دقت گاهی با افزودن قیودی به مشبه‌به ایجاد می‌شود تا مقصود گوینده به‌طور کامل و دقیق به مخاطب منتقل شود؛ برای مثال، امام(ع) گناهان را به اسب‌های چموش تشبیه کرده و سپس برای ایجاد ظرافت و دلالت دقیق، قیدی به این تشبیه افزوده است، و آن اینکه زمام اسب چموش رها شده است و در دست صاحبش نیست:

ألا إن الخطايا خيل شمس حمل عليها أهلها و خلعت لجمها فتقحمت بهم في النار. (نهج‌البلاغه: 17)

همچنین امام(ع)، حال غافلان را به چهارپایانی تشبیه کرده که چوپان آنها را در کشتزاری رها کرده است؛ سپس برای ایجاد ظرافت و دلالت دقیق بر مفهوم مورد نظر، قید دیگری به تشبیه اضافه کرده و فرموده است: در آن کشتزار، آبشخوری زهرآلود هم وجود دارد. (نهج‌البلاغه: 181) البته، منظور صرفاً تشبیه مقید نیست، بلکه این مفهوم، تشبیه تمثیل را - که وجه‌شبه در آن حالت مرکب از اجزاء متعدد است - نیز دربر می‌گیرد و در آن تعدد زوایا و جهات مورد نظر، دقت و ظرافت تشبیه را می‌افزاید.

گاهی دقت و ظرافت در انتقال پیام با به‌کارگیری چند تشبیه موازی صورت می‌گیرد، به این معنی که یک مفهوم در چند تشبیه مکرر و در چند لباس مختلف جای می‌گیرد تا تأثیرگذاری آن بر مخاطب افزایش یابد، چنان‌که در تصاویر بی‌دربی دنیا، مرگ، آخرت، ... دیده می‌شود.

5. نتیجه‌گیری

امام علی (ع) تشبیه را وسیله‌ای قرار داده است تا با برترین شیوه‌های کاربرد آن، مسائل پیچیده ذهنی، فلسفی، حکمت، موعظه، ... را که از محدوده محسوسات و ملموسات خارج می‌باشند، در دسترس حواس پنج‌گانه - به‌ویژه بینایی و شنوایی - قرار دهد و پیام‌های مورد نظر را با خلاقیت و تیز هوشی به شنونده منتقل کند.

امام علی (ع) با استفاده از روش‌های مختلف، جذابیت و نفوذ تصاویر خطبه‌ها را افزایش داده و با بهره‌گیری از عناصر طبیعی، جانداران و تصاویر پرتحرک، زنده و دقیق، انتقال پیام‌های انسانی در زمینه‌ها و ابعاد گوناگون آسان کرده است.

منابع

- ابن الأثیر، ضیاء‌الدین (1962م). *المثل السائر فی ادب الکاتب والشاعر*، قدمه و حقه احمد الحوفی والبدوی، مصر: نشر مکتب النهضة.
- ابن رشیق القبروانی، ابوعلی حسن (1416ق). *العمدة فی محاسن الشعر آدابه و نقده*، قدم له و شرحه و فهرسه صلاح‌الدین الهواری، القاهرة: دارالهلل.
- ابن منظور، ابو الفضل جمال‌الدین محمد (1412ق). *لسان‌العرب*، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابوحق، احمد (1988م). *البلاغه و التحلیل الادبی*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- امامی، نصرالله (1371ق). *منوچهری دامغانی ادوار زندگی و آفرینش‌های هنری*، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- امین، احمد (1928م). *فجر الاسلام*، مصر: مطبعة الاعتماد.
- التفتازانی، سعدالدین (1383ق). *مختصر المعانی*، بیروت: دارالفکر.
- جرdaq، جرج (1409ق). *الامام علی صوت العدالة الانسانیة*، بیروت: دارالمهدی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (1372). *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
- غریب، رز (1378). *نقدی بر زیبایی‌شناسی و تأثیر آن بر نقد عربی*، ترجمه نجمه رجایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- الفاضلی، محمد (1376). *دراسة و نقد فی مسائل بلاغیة هامة*، مشهد: فردوسی.
- فتوحی، محمود (1385). *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.
- الفیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (بی‌تا). *قاموس المحيط*، بیروت: دارالجیل.
- قائمی، مرتضی (1388). *سیری در زیبایی‌های نهج‌البلاغه*، قم: ذوی‌القربی.
- نهج‌البلاغه (1384). *ترجمه سیدجعفر شهیدی*، تهران: علمی و فرهنگی.